

۲۰۲۰۰۱۲۹۱۱ شـماره ۱۳۹۸/۱۱/۲۰ تـاریــخ بدون پیوست به نام خدا جناب آقای دکتر مسئول گرامی مدیر مرکز بزرگ نوآوری و خلاقیت جمهوری اسلامی ایران

موضوع نامه / معرفی شرکت روزاندیش کویرپیما و خدمات جیبرس

ضمن ادب و احترام

وقتی ثـروت هـای بــزرگ بــه دســت برخـی مــردم میافتــد در پرتــو آن نیرومنــد میشــوند و در ســایهٔ نیرومنــدی و ثــروت خیــال مــی کننــد کــه میتواننــد در خـارج از وطــن خــود زنــدگی نماینــد و خوشــبخت و سـرافراز باشــند ولـی بــه زودی مـی فهمنــد کــه اشــتباه کــرده انــد و عظمــت هــر ملتـی بــر روی خرابــه هــای وطن خودش میباشد و بس!

این راست نیست که هرچه عاشق تـر باشی بهتـر درک میکنی. همـهی آنچـه عشـق و عاشـقی از مـن مـی خواهـد فقـط درکِ ایـن حکمـت اسـت: دیگـری نشـناختنی اسـت؛ مـاتیِ او پـردهی ابهـامی بـه روی یـک راز نیسـت، بـل گـواهی اسـت کـه در آن بـازیِ بـود و نمـود هـیچ جـایی نـدارد. پـس مـن در مسـرتِ عشق ورزیدن به یک ناشناس غرق میشوم، کسی که تا ابد ناشناس خواهد ماند.

پیـر مـردی هـر روز تـو محلـه مـی دیـد پسـر کـی بـا کفـش هـای پـاره و پـای برهنـه بـا تـوپ پلاسـتیکی فوتبـال بــازی مــی کنــد، روزی رفــت ی کتــانی نــو خریــد و اومــد و بــه پســرک گفــت بیــا ایــن کفشــا رو بـپـوش...پســرک کفشــا رو پوشــید و خوشــحال رو بــه پیــر مــرد کــرد و گفــت: شــما خداییـد؟! پیــر مــرد لـبش را گزیـد و گفـت نــه! پسـرک گفـت پــس دوســت خـدایی، چــون مـن دیشـب فقـط بــه خـدا گفـتم کــه کفش ندارم...

جواد ادیب مدیرعامل جیبرس شرکت روز اندیش کویرپیما